

## حمایت از زنان بزه‌دیده در حقوق بین‌الملل

### غزال لیث

نویسنده مسئول: کارشناسی حقوق

#### چکیده

خشونت علیه بشریت، یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به‌عنوان الغی بر سر راه تحقق اهداف حقوق بشر در قرن ۲۱ تلقی شود؛ جنگ، تجاوز، سبیت در زندگی خصوصی و عمومی، امکان برخورداری از حقوق بشر را به‌عنوان یک پدیده جهانی از بین می‌برد وقوع خشونت در بسیاری از مکان‌ها احساس از وحشت و آسیب‌پذیری کلی را ایجاد می‌کند. هم‌زمان برخی از گروه‌ها به‌علت جایگاه‌شان و خانواده یا جامعه کاهش قدرت‌شان، نوع کار و یا عرصه حضورشان بیش از دیگران آسیب‌پذیرند. زنان در بسیاری از فرهنگ‌ها نازل‌ترین جایگاه خانوادگی و اجتماعی را دارد، هستند. برآورد جهانی نشان می‌دهد که خشونت یکی از دلایل جدی ناتوانی و مرگ زنان محسوب می‌شود. لذا هدف تحقیق حاضر بررسی خشونت زنان در حقوق بین‌الملل بود. تحقیق مذکور مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد. حق بزه‌دیدگان خشونت‌های خانگی، تلاشی برای رهایی از شرایط موجود نمی‌کنند و با سکوت سنگین خود، موجب تداوم خشونت‌ها می‌شوند و اگر چنین خشونت‌هایی نیز گزارش شوند در غالب موارد سرزنش افکار عمومی و کوچک‌پنداری دست‌اندرکاران دستگاه قضایی، تنها آورد برای بزه‌دیده خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** خشونت، بزه دیدگی زنان، حقوق بین‌الملل.

## مقدمه

خشونت علیه بشریت، یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به‌عنوان ال‌فی بر سر راه تحقق اهداف حقوق بشر در قرن ۲۱ تلقی شود؛ جنگ، تجاوز، تبعیض، سب‌گویی، تبعیض در زندگی خصوصی و عمومی، امکان برخورداری از حقوق بشر را به‌عنوان یک پدیده جهانی از بین می‌برد وقوع خشونت در بسیاری از مکان‌ها احساس از وحشت و آسیب‌پذیری کلی را ایجاد می‌کند. هم‌زمان برخی از گروه‌ها به‌علت جایگاه‌شان و خانواده یا جامعه کاهش قدرت‌شان، نوع کار و یا عرصه حضورشان بیش از دیگران آسیب‌پذیرند. زنان در بسیاری از فرهنگ‌ها نازل‌ترین جایگاه خانوادگی و اجتماعی را دارد، هستند. برآورد جهانی نشان می‌دهد که خشونت یکی از دلایل جدی ناتوانی و مرگ زنان محسوب می‌شود.

خشونت بر زنان حتی قبل از تولدشان شروع می‌شود و نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی آنان را دربر می‌گیرد و تا دوران کهنسالی نیز ادامه می‌یابد. تمایل به داشتن فرزند پسر از دیرباز تاکنون در میان اکثر مدل به‌ویژه در شرق و جنوب شرق آسیا وجود داشته است. جنسی‌گزینی پسر حتی بیش از انعقاد نطفه و سقط جنین دختر نخستین خشونت بر زن و صرفاً به‌خاطر جنسیت اوست.

بی‌توجهی<sup>۱</sup> و کم‌عاطفگی نسبت به دختران در خانواده‌های مردسالار و متعاقباً خشونت خانگی و اجتماعی بر ایشان چرخه مذکور را ادامه می‌دهد تا آن‌جا که همین دختران در دوران بارداری‌شان نگراندتر بودن جنین خود هستند! در میان خشونت‌های خانگی<sup>۲</sup> که در محیط خانواده و معمولاً از سوی خویشاوندان ذکور نسبی و سببی رخ می‌دهد از گستردگی و شدت بیشتری نسبت به سایر خشونت‌های اجتماعی و روانی، برخوردار است به‌ویژه آن‌که عرفاً جوامع سنتی نسبت به زن و جایگاه او در خانواده نگاه مستبدانه‌ای دارد اعمال خشونت بر وی را موجه می‌پندارد.

حق بزه‌دیدگان خشونت‌های خانگی، تلاشی برای رهایی از شرایط موجود نمی‌کنند و با سکوت سنگین خود، موجب تداوم خشونت‌ها می‌شوند و اگر چنین خشونت‌هایی نیز گزارش شوند در غالب موارد سرزنش افکار عمومی و کوچک‌پنداری دست‌اندرکاران دستگاه قضایی، تنها آورد برای بزه‌دیده خواهد بود.

## حقوق زنان بزه‌دیده در اسناد بین‌المللی

موقعیت نامطلوب زنان در جوامع و روند روبه رشد خشونت علیه آنان سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد را برآن داشته است که به تصویب اسناد متعدد بین‌المللی در قالب اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی اقدام نمایند. این اسناد متأثر از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی است که زنان را در دو گروه بزه‌دیدگان بالقوه- که به حمایت‌های ویژه نیاز دارند- قرار می‌دهد. بررسی حقوق زنان بزه‌دیده و حمایت‌های تقنینی از آنها در اسناد بین‌المللی پژوهش مستقلی می‌طلبد که در اینجا فهرست‌وار به مهم‌ترین این اسناد و قوانین اشاره می‌نماییم.

حقوق زنان بزه‌دیده و حمایت‌های بین‌المللی را می‌توان به سه دسته کلی؛ حمایت از تساوی حقوق زن و مرد در تمامی عرصه‌ها و حمایت از زنان در برابر جرائم خانوادگی، حمایت از زنان در برابر جرائم علیه تمامیت جسمانی و حمایت از زنان در برابر جرائم علیه تمامیت معنوی دسته‌بندی کرد.

## بند اول: تساوی حقوق زن و مرد و حمایت از زنان در برابر جرائم خانوادگی

سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تاکنون، اسناد متعددی اعم از بیانیه و قطعنامه، به‌منظور تساوی حقوق زن و مرد به تصویب رسانده که مهم‌ترین و جامع‌ترین این اسناد «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» است.<sup>۳</sup> کنوانسیون یاد شده که مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً مشروح و ۳۰ ماده (۱۶ ماده اصلی و ۱۴ ماده اجرایی و نظارتی) است در ۲۷ آذر ماه ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و برای امضاء تصویب و الحاق کشورها

۱. قلی‌پور، رانیک و روشن‌دل، جلیل «سیمای زن در جهان - کره جنوبی» تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انتشارات بزرگ زیتون، چاپ یکم، پاییز ۷۷، ص ۳۸.

2. Domestic violence's

۳. رئیس، مهدی؛ کنوانسیون زنان... چاپ اول، نسیم قدس قم، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

مفتوح گردید و نظارت بر اجرای آن طبق ماده‌ی ۱۷ کنوانسیون، به‌عهده کمیته‌ی «محور تبعیض علیه زنان»<sup>۴</sup> که شامل ۲۳ نفر از نمایندگان کشورهای عضو و دولت‌ها و نظام‌های عمده حقوقی است- واگذار شد و با گذشت ۳۰ روز از توزیع بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجراء گردید.

کنوانسیون مزبور در ماده‌ی ۱، هدف خود را برقراری تساوی کامل بین حقوق زن و مرد و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان دانسته، می‌گوید: «عبارت تبعیض علیه زنان در این کنوانسیون به هرگونه تمایز و استثناء (محدودیت) براساس جنسیت اطلاق می‌شود که نتیجه‌ی آن خدشه‌دار کردن بهره‌مندی زنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، یا هر زمینه دیگر است. صرف‌نظر از وضعیت زناشویی، تساوی کامل زن و مرد و رفع هرگونه محدودیت یا تمایز، ضروری است». براساس این سند بین‌المللی، هر نوع تفاوت بین زن و مرد (حتی تفاوت‌هایی که به‌نفع زنان است) در حقوق و تکالیف، تبعیض محسوب می‌شود و ناقض حقوق بشر است.

بنابراین، با توجه به مقدمه کنوانسیون و یادآوری اسناد بین‌المللی مبنی بر محکومیت تمایزات جنسیتی، تعریف تبعیض در ماده (یک) و محکومیت آن در ماده دو و تکرار بیش از ۵۵ بار الفاظ «تساوی»، «تشابه» و «یکسانی» در کلیه مراحل دادرسی، حق دیه، قصاص، مجازات و ...» (موضوع بند ۲ ماده‌ی ۱۵) و همچنین، برخورداری از حق تساوی در امر ازدواج، طلاق، تصمیم‌گیری، مسئولیت‌ها، مدیریت خانواده، حضانت و ... آن‌هم با تأکید در بیان شانزده ماده‌ی محتوای کنوانسیون می‌توان گفت که هدف اصلی تدوین‌کنندگان این سند بین‌المللی، ایجاد تساوی و تشابه کامل بین زن و مرد در مسائل خانوادگی، کیفری، اجتماعی و رفع هرگونه تمایز (تفاوت)، استثناء یا محدودیتی است که براساس جنسیت ایجاد شده و نتیجه یا هدف این تفاوت‌ها به آزادی و تساوی کامل زن و مرد خدشه وارد نموده یا این تساوی را لغو نماید. «مفاد کنوانسیون بر محور ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه‌ی شئون استوار است»<sup>۵</sup>.

اهمیت کنوانسیون رفع تبعیض به‌اندازه‌ای است که امروزه، موضوع اصلی و اساسی کنفرانس‌های جهانی زنان شده است و سازمان ملل متحد کنفرانس‌هایی را به‌منظور زمینه‌سازی لام برای الحاق کشور به کنوانسیون و بهبود وضعیت زنان براساس معیارهای آن ترتیب داد؛ از جمله کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰)، ناپروبی (۱۹۸۵)، پکن (۱۹۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰). در دو کنفرانس پکن (۱۹۹۵) و پکن +۵ (۲۰۰۰ نیویورک)<sup>۶</sup>، کارگروه‌ها و جلسات فراوانی تشکیل گردید. حاصل کار کنفرانس پکن، تصویب اعلامیه پکن و محور قرار گرفتن آن برای دفاع از حقوق زنان و برقراری تساوی میان مردان و زنان است. سند پکن به‌علاوه اصلاحات آن (حذف و اضافه) در پکن +۵ و نیز ارائه راهکارهایی برای تحقق بهتر آن در آینده، درحال حاضر محوری‌ترین گذرگاه برای رسیدن به اهداف کنوانسیون رفع تبعیض است و به‌طور جدی در دستور کار سازمان ملل قرار دارد تا کشورهای جهان برای تحقق اهداف و برنامه‌های آن اقدام نمایند. این اسناد، شامل؛ نظریه‌هایی در تعریف انسان و نیازهای او، تبیین مسائل و مشکلات زنان و ارائه اقدامات و راهکارهای بهبود وضعیت، از نظر طراحان اسناد است؛ البته امروزه سند پکن و ملحقات آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی برای احقاق حقوق زنان و همچنین به‌عنوان منبع و مأخذ مادر استفاده می‌شود. کارپایه‌ی عمل پکن بر دوازده حوزه نگران‌کننده تأکید می‌کند که عبارت‌اند از: فقر، آموزش و پرورش، بهداشت، خشونت، مناقشات مسلحانه، اقتصاد، تصمیم‌گیری، سازوکارهای نهادین، حقوق بشر، رسانه‌ها، محیط زیست و مسائل مرتبط با دختربچه‌ها در اسناد بین‌المللی، خصوصاً در کارپایه عمل آمده است که زنان به‌خاطر عواملی نظیر؛ نژاد، سن، زبان، قومیت، فرهنگ، دین، معلولیت، بومی بودن و دلایل دیگر با موانعی اساسی برای تساوی و پیشرفت روبه‌رو هستند.

#### 4. CEDAW

۵. راعی، مسعود؛ الحاق به کنوانسیون از منظر مؤفقان و مخالفان، کتاب زنان (فصلنامه‌ی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان)، سال پنجم، ۱۳۸۲، شماره- ۲۰، ص ۲۶۹.

۶. اجلاس ویژه بیست‌وسومین مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان زنان ۲۰۰۰، تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست‌ویکم.

مهم‌ترین حوزه‌ای که در کارپایه عمل بر آن تأکید شده، مسأله خشونت علیه زنان جهان است و اعمال خشونت علیه زنان و نادیده گرفته شدن این اعمال توسط دولت‌ها به‌عنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر، پذیرفته شده است. در اعلامیه پکن آمده است:

ما دولت‌های شرکت‌کننده در چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان، بر تعهد خود به حقوق برابر و حیثیت ذاتی انسانی زنان و مردان، به اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه کنوانسیون امحای جمیع صور تبعیض علیه زنان و هم‌چنین کنوانسیون امحای خشونت علیه زنان و به تضمین اجرای کامل حقوق بشر مربوط به زنان و کودکان دختر به-عنوان بخش جدایی‌ناپذیر و پیوسته و تقسیم‌ناپذیر جمیع حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، مجدداً تأکید می‌ورزیم (مواد ۹-۸) و مصمم هستیم برخورداری کامل زنان و کودکان دختر را از جمیع حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تضمین کنیم و اقدامات مؤثری علیه موارد نقض این حقوق و آزادی‌ها اتخاذ نماییم، کلیه اقدامات لازم را برای امحای جمیع صور تبعیض علیه زنان و کودکان دختر معمول داریم و همه‌ی موانع فراروی برابری جنسیتی، پیشرفت و توانمندسازی زنان را از میان برداریم (مواد ۲۴-۲۲) در سند پکن عنوان می‌شود که در کشورهای مختلف با زنان و مردان در خانواده و جامعه یکسان برخورد شود و عدم مساوات بین آنها در حقوق اقتصادی (مثلاً عدم مساوات در ارث یا...) یا حقوق خانوادگی (مثلاً در نکاح، طلاق و حضانت) تبعیض علیه زنان محسوب می‌شود.

در ماده ۱۳۶ سند پکن عنوان شده است: «زنان و کودکان حدود ۸۰ درصد از میلیون‌ها پناهنده و آواره دیگر، از جمله آوارگان داخلی را تشکیل می‌دهند». در ماده ۱۴۷ سند پکن، مقرر می‌شود که: «برای تأمین حمایت و مساعدت زنان آواره داخلی، اقداماتی باید اتخاذ گردد، از جمله آن که؛ دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و دیگر سازمان‌هایی که در تأمین حمایت، مساعدت و پرورش زنان پناهنده زنان آواره نیازمند حمایت بین‌المللی و زنان آواره‌ی داخلی دخیل‌اند (مانند دفتر کمیساری عالی ملل متحد در امور پناهندگان)، حمایت و مساعدت کافی به زنان و کودکان آواره‌ی داخلی ارائه نمایند و راه‌حلی برای علل ریشه‌یابی آوارگی آنها به‌منظور جلوگیری از آن بیابند» برای اجرای این بند از سند پکن، «آمریکا و چند کشور اروپایی چون کانادا، فرانسه، انگلیس و آلمان اعلام کرده‌اند به افرادی که تحت اذیت و آزار جنسیتی، از جمله ختنه، ازدواج اجباری، سقط جنین اجباری، قتل به‌خاطر شرافت و خشونت‌های خانوادگی هستند موقعیت پناهندگی اعطاء می‌کنند».<sup>۷</sup>

با توجه به این که یکی از موارد اعمال خشونت‌بار علیه زنان و دختران، ازدواج زودهنگام و اجباری آنهاست، سازمان ملل به-منظور پیشگیری از این پدیده‌ی نابهنجار اجتماعی، کنوانسیون تکمیلی در مورد الغای بردگی، تجارت کردن و نهادهای مشابه بردگی را در سال ۱۹۵۶ به تصویب برساند.<sup>۸</sup> در این سند بین‌المللی، ضمن تعریف بردگی و ممنوعیت آن، اعمالی را در حکم برده‌فروشی محسوب کرده و اعلام داشته است که دولت‌های متعهد حق ندارند نسبت به انجام آن کوتاهی کنند. «منظور از نهادهای مشابه بردگی، اعمالی از قبیل؛ خرید و فروش، کرایه دادن زنان و کودکان یا به ارث رسیدن زن پس از فوت شوهر است». از آنجا که جامعه‌ی بین‌المللی بعد از تصویب کنوانسیون منع بردگی ۱۹۲۶ با اشکال و رویه‌هایی مواجه شد که شرایط و اوضاع و احوال آنها بسیار مشابه بود، اما مشمول تعریف بردگی که در کنوانسیون منع بردگی ۱۹۲۶ آمده بود، نمی‌شد. از این‌رو، با تدوین کنوانسیون تکمیلی مذکور در این خصوص بدون آن که در تعریف ارائه شده تغییراتی را بگنجانند، برخی از مصادیق را در قالب اشکال و ترتیبات مشابه بردگی منع نمودند. در حال حاضر، گروه کار اشکال معاصر بردگی سازمان ملل متحد،<sup>۹</sup> در گزارش‌های خود هر ساله برخی از جدیدترین اشکال مشابه بردگی را از سرتاسر جهان کشف نموده، مطرح می‌سازد و بر شمار اشکال مختلف آن می‌افزاید. وعده به ازدواج در آوردن زن در قبال دریافت وجه، به ارث رسیدن زنان بعد از مرگ شوهر، ازدواج

<sup>۷</sup>. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ به نقل از؛ آیت‌اللهی، زهرا؛ «نگاهی تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان)، ۱۳۸۰، ش ۱۴، ص ۱۱۷.

<sup>۸</sup>. Supplementary Convention on the Abolition of Slavery, The Slave Trade, and Institutions and Practices to Slavery.

<sup>۹</sup>. UN Working Group on Contemporary Forms of Slavery.

اجباری، فحشای اجباری کودکان و زنان، به‌کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه، قاچاق زنان و کودکان، قاچاق اعضا و بافت‌های انسانی و... در زمره‌ی اعمال معاصر مشابه بردگی ذکر شده‌اند.

در ماده ۲ این سند، جامعه جهانی متعهد شده‌اند که «در موارد لزوم، حداقل سن مناسب ازدواج را مشخص نمایند و استفاده از تسهیلاتی را ترغیب نمایند که به‌واسطه آنها رضایت زوجین به‌طور آزادانه در حضور مقام صالح مدنی یا مذهبی ابراز می‌شود و نیز ثبت ازدواج را تشویق کنند».

هم‌چنین، طبق بند ۲ ماده ۱۶ این سند بین‌المللی که «نامزدی و نکاح کودک فاقد هرگونه اثر قانونی است»، نکاح به‌سبب کم بودن سن دختر، باطل اعلام شده و تعیین حداقل سن نکاح و ثبت اجباری آن را مقرر داشته است. بنابراین، هر عملی که در این کنوانسیون ممنوع اعلام شده، از جمله هر رسم و رسوم و قانونی که ازدواج زودهنگام یا اجباری را تجویز کند، در حکم برده‌فروشی بوده و دولت‌های متعهد این کنوانسیون برای خاتمه دادن به چنین اعمال و نهادهای مشابه بردگی و نهادهای حقوقی عرفی ننگین، با یکدیگر پیمان بسته‌اند.

این معاهده که آخرین معاهده بین‌المللی در زمینه منع برده‌فروشی است و اساساً برای منع روش‌های نهادها و رسوم مشابه بردگی، هم‌چون اجبار به خدمت در برابر دین و فروش یا به ارث بردن زنان که کنوانسیون بردگی مصوب ۱۹۲۶، آنها را دربر نمی‌گیرد، تهیه و تنظیم شده است، به‌منظور ممانعت از سوءاستفاده از زنان و حمایت از شرف و عفت آنان نیز مقرراتی را در نظر گرفته است.

روند روبه رشد ازدواج‌های اجباری و زودهنگام در بسیاری از کشورهای جهان، کمیسیون مقام زنان را واداشت که طرحی درخصوص مسائلی چون؛ آزادی کامل و داشتن رضایت رأی ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن، به شورای اقتصادی-اجتماعی ارائه کند و سرانجام «کنوانسیون رضایت ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن» در سال ۱۹۶۲، در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.<sup>۱۰</sup> طبق ماده ۱ کنوانسیون «ازدواج باید رضایت طرفین صورت گیرد». در ماده ۲ کنوانسیون، از دولت‌های عضو درخواست شده است که در نظام‌های قانون‌گذاری خود، حداقل سن برای ازدواج را در نظر بگیرند، مگر آن که مقام صالحی، مجوز ازدواج را در موارد ضروری و به‌منظور منافع زوجین، صادر کند. در ماده ۳ کنوانسیون مذکور، ثبت ازدواج در محل‌هایی که قانوناً تعیین گردیده، مقرر شده است.<sup>۱۱</sup>

علاوه بر اسناد یاد شده که بیانگر موقعیت حقوقی زنان بزه‌دیده در اسناد بین‌الملل است، سازمان ملل سازوکارهای عملی از قبیل؛ جبران خسارت زنان قربانی به‌صورت مالی و غیرمالی توسط مرتکبان یا دولت‌ها، خدمات بهداشتی، پزشکی، حقوقی و مشاوره‌ای رایگان از سوی مراجع رسمی و غیررسمی، تأسیس خانه‌های امن و پناهگاه‌ها و... را برای حمایت از زنان بزه‌دیده به دولت‌ها توصیه می‌نماید.

مجموعه راهبردهای یاد شده در اعلامیه سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» منعکس گردید. این اعلامیه که براساس توصیه‌کنگره هفتم (مبنی بر پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران) در نوامبر ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی پذیرفته شد و طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ ارائه گردید، متضمن ۲۱ ماده در رابطه با حمایت از بزه‌دیدگان است که هر بند از آن افق جدیدی را به‌منظور حمایت از بزه‌دیدگان در عرصه‌ی جهانی می‌گشاید.

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ راه‌های عملی و اجرایی اعلامیه یاد شده را بررسی و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر نمود. در این قطعنامه از کلیه کشورهای عضو خواسته شده است که با اختصاص دادن بودجه لازم، امکان عملی شدن مواد اعلامیه و اصول اساسی عدالت را برای بزه‌دیدگان فراهم آورند. در ماده ۱ اعلامیه فوق، بزه‌دیده را تعریف کرده و وی را شخصی می‌داند که در پی فعل‌ها و ترک‌فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، به‌صورت فردی یا گروهی به آسیب (اعم از فیزیکی و روانی) و آسیب جانی، ضرر اقتصادی یا لطمه به حقوق اساسی دچار شده‌اند.

10. The Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriage.

11. Focus Women UN Action For Women, (Dpi/, New York, May 1996), p.1.

در ماده ۲ اعلامیه، حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت وی، به تعقیب، دستگیری یا محکومیت مجرم منوط نشده و حتی در شرایطی که متهم به جرم، مجرم شناخته نشود یا دستگیر نگردد، قربانی جرم باید به امتیازات و حقوق قانونی خود دست یابد. در ماده ۳ اعلامیه، حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات روحی و فیزیکی را برای کلیه قربانیان جرم هرگونه ملاحظه موقعیت‌های اجتماعی و رویکردها قابل اعمال دانسته، می‌گوید:

این مقررات باید برای همه بزه‌دیدگان، بدون ملاحظه هیچ نوع تفاوت و امتیازی از قبیل؛ نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، هدف، ملیت، گرایش سیاسی، اعتقادات، عملکرد فرهنگی، دارایی، موقعیت‌های خانوادگی یا قومی و ضعف و ناتوانی‌ها، قابل اعمال باشد.

اعلامیه یاد شده پس از تعریف بزه‌دیدگان و ضرورت حمایت از حقوق قانونی آنها، به راهکارهای عملی چون؛ دسترسی آسان بزه‌دیده به مراجع قضایی، آگاهی از حقوق و موازین قضایی خویش، اجازه اظهارنظر و سرعت در دادرسی بزه‌دیدگان پرداخته است (مواد ۴، ۵ و ۶) در ماده ۷ مکانیسم‌های غیردولتی برای حل و فصل اختلافات از جمله میانجی‌گری، داوری و اقدامات عدالت‌خواهانه عرفی را برای مصالحه و تسریع‌بخشی جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است. این ماده بیانگر این واقعیت است که در برخی از موارد، حمایت از حقوق بزه‌دیدگان از طریق میانجی‌گری‌های مرسوم، به مراتب سریع‌تر و صحیح‌تر تأمین می‌گردد بدون آن که لازم باشد بزه‌دیده از فرآیند طولانی و پیچیده دستگاه قضایی عبور نماید. در ماده ۹، به ضمانت-اجرای حمایت از بزه‌دیده پرداخته، از دولت‌ها می‌خواهد که جبران خسارت را به‌عنوان یک ضمانت‌اجرای مجازات در کنار سایر ضمانت‌ها به رسمیت شناخته، آن را مورد توجه قرار دهند.

در ماده ۱۲ اندیشه جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت را در مواردی که جبران خسارت بزه‌دیده به صورت کامل از سوی مجرم بنابه دلایلی (فقر یا فرار وی) عملی نمی‌شود مطرح کرده و از دولت‌ها می‌خواهد که در چنین شرایطی به‌طور مستقیم تلاش نمایند تا خسارت مالی را تأمین کنند و بزه‌دیده را به وضعیت عادی قابل قبول برگردانند.

مواد ۱۴-۱۷ به ابعاد مختلف حمایت از بزه‌دیدگان از قبیل کمک‌های دارویی، روانی، اجتماعی و سایر مساعدت‌های لازم در خصوص قربانیان جرم و تأمین آنها اشاره شده است. مواد ۲۱-۱۸، دولت‌ها را مکلف ساخته است که در برابر سوءاستفاده-کنندگان از قدرت و نقض قوانین بین‌الملل و حقوق بشر، سیاست واحد و منسجمی اتخاذ کنند و با اقتدار تمام از بزه‌دیدگان حمایت کرده، در برابر معترضان (اعم از این که دولتی باشند یا غیر آن) اعمال قدرت نمایند.

### بند دوم: حمایت از زنان در برابر جرائم علیه تمامیت جسمانی

جرائم علیه تمامیت جسمی گسترده است و شامل کلیه اشکال خشونت‌های جسمی نظیر؛ قتل، ضرب و جرح، بریدن اعضای تناسلی و... می‌شود. در این مورد به چهار سند مهم بین‌المللی (دو کنوانسیون، اساسنامه و اعلامیه) اشاره می‌شود:

#### یک: کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی (۱۹۴۸)

براساس قطعنامه شماره ۹۶ که در یازدهم دسامبر ۱۹۴۶ صادر شد، مجمع عمومی سازمان ملل درباره کشتار دسته‌جمعی اعلام کرد «کشتار جمعی، یعنی انکار حق حیات تمام گروه‌های انسانی، همان‌گونه که آدم‌کشی یعنی انکار حق حیات فرد». چنین انکاری وجدان بشر را متأثر می‌کند و خسران بزرگی به بشر وارد می‌آورد. کشتار جمعی با قانون اخلاقی و هم‌چنین روح و اهداف ملل متحد مغایر است.

طبق این تعریف، جنایت کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید) به همه اعمالی که به قصد نابودی تمام یا قسمتی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابد، اطلاق می‌شود.

خشونت‌هایی که در مورد زنان در طول بازداشت آنها یا در زمان درگیری‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی یا علیه زنان پناهنده و فاقد مکان به کار گرفته شود، مشمول این کنوانسیون بوده و مطابق آن، اشخاصی که مرتکب این اعمال می‌شوند (اعم از این-که اعضای حکومت یا مستخدمان دولت یا اشخاص عادی باشند)، مجازات خواهند شد.

**دو: کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷**

این عهدنامه‌ها شامل چهار سند است که سه سند آن در واقع تجدیدنظر در قراردادهای قبلی است و چهارمین سند، متضمن یک نوآوری در حقوق قراردادی جنگ است. این عهدنامه‌ها عبارت‌اند از:

۱. عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی. این عهدنامه جانشین عهدنامه‌های ژنو مورخ ۱۸۶۴، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ شد.
۲. عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و غرق‌شدگان نیروهای مسلح در دریاها.
۳. عهدنامه مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی که جانشین عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۷ شد.
۴. عهدنامه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ.

طبق ماده ۲۷ عهدنامه چهارم، زنان، مخصوصاً در مقابل هرگونه لطمه به شرافت‌شان - به‌ویژه در برابر تجاوز، اجبار به فحشاء و هرگونه هتک‌حرمت - مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در ماده ۱۴۷ اعمالی از قبیل؛ آزار جنسی و هتک‌حرمت زنان از طریق مقررات اصولی ممانعت از خشونت علیه تمامیت جسمانی، هویت و امنیت اشخاص، توسط حقوق بین‌الملل بشردوستانه، غیرقانونی اعلام گردیده است. از سوی دیگر، طبق ماده ۷۶، زنان در صورت محرومیت از آزادی، باید در اماکنی جدا از مردان نگهداری شوند و ماده ۷۶ پروتکل شماره ۱ مقرر می‌دارد که؛ باید نسبت به زنان باردار و مادران کم‌سن‌وسال به‌صورت خاص توجه شود و همان‌طور که در بند ۴ ماده ۶ پروتکل شماره ۲ نیز آمده است، طرفین متخاصم باید به هر صورت ممکن، سعی نمایند از صدور حکم و اعمال مجازات مرگ نسبت به زنان، به‌علت ارتکاب جرائم مربوط به مخاصمه مسلحانه، خودداری کنند. با توجه به این‌که این مقررات، خصوصیت خاصی ندارند که زنان پناهنده را مستثنی نمایند، شامل زنان پناهنده هم می‌شود و می‌توان حکم مقرر را به آنها نیز تعمیم داد.

به‌طور کلی، حفاظت از مردم سرزمین اشغالی و در پیش گرفتن رفتار انسانی با آنها، از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در خصوص اشغال سرزمین در زمان جنگ است. فهرست مفصلی از موارد تضمین حقوق ساکنان، در کنوانسیون شماره ۴ ژنو و پروتکل شماره ۱ برشمرده شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

احترام به شرف، حقوق خانوادگی، اعمال مذهبی، دارایی‌های خصوصی و عرف و عادت غیرنظامیان، آن‌هم در مناطق اشغال شده هم‌چنین، گروگان‌گیری، تنبیه دسته‌جمعی، اعمال تبعیض از لحاظ نژادی، مذهبی و سیاسی و ضبط مواد غذایی و تدارکات پزشکی به‌منظور محروم کردن ساکنان مناطق اشغالی از نیازهای عادی، ممنوع است و در نهایت این‌که اتخاذ رفتار انسانی در نبردهای مسلحانه غیربین‌المللی نیز توسط پروتکل شماره ۲ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تضمین شده است. مهم‌ترین حوزه‌ای که در کارپایه علیه زنان و نادیده گرفته شدن این اعمال توسط دولت‌ها به‌عنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر، پذیرفته شده است.

**سه: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱۲</sup>**

دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) به‌عنوان اولین گام دائمی بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ به‌منظور رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی تشکیل گردید. در حقیقت، تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری محصول تلاش‌هایی بود که پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. اولین گام در جهت محاکمه و مجازات جنایت‌کاران بین‌المللی در معاهده ورسای ۱۹۱۹ برداشته شد. براساس این معاهده، ویلهلم دوم (حاکم آلمان) به‌دلیل ارتکاب برخی جرائم می‌بایست محاکمه می‌گردید؛ اما وی به هلند پناهنده شد و هلند نیز وی را مسترد نکرد تا این‌که در سال ۱۹۴۱ درگذشت. پس از جنگ جهانی دوم، اندیشه یک دیوان بین‌المللی با صلاحیت کیفری قوت گرفت و دو دادگاه نورنبرگ و توکیو به‌منظور رسیدگی به جنایات سران و فرماندهان نظامی آلمان و ژاپن تأسیس گردید. مواد ۸-۶ اساسنامه به‌طور عمده در مورد جرائم علیه تمامیت جسمانی است. ماده ۶ کنوانسیون در مورد نسل‌کشی است. طبق این ماده، نسل‌کشی عملی است که به‌قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد.

12. International Criminal Court – ICC

نسل‌کشی فقط به قتل عام قومی و گروهی محدود نمی‌شود و شامل مواردی چون؛ ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، اعمال اقداماتی برای جلوگیری از توالد و تناسل اعضای یک گروه، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر و... نیز می‌شود. افراد متهم به ارتکاب جنایات نسل‌کشی بایست به یک دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی ارجاع شوند. برای این منظور در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته ویژه‌ای متشکل از نمایندگان دولت‌ها درخواست نمود که امکان تأسیس این چنین دادگاهی را بررسی کند.

ماده اساسنامه دیوان، جنایات علیه بشریت را تعریف کرده و آن را اعمالی دانسته است که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته برضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد. از مصادیق این اعمال می‌توان به قتل، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت، شکنجه، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید آزادی جسمانی برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل و تعقیب و آزار مداوم گروه یا مجموعه‌ای مشخص به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی و فرهنگی، اشاره نمود.

در ماده اساسنامه دیوان، به جنایات جنگی پرداخته شده و جنایات جنگی را در دو دسته تقسیم‌بندی کرده است:

۱. نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق بشردوستانه در جنگ‌ها،
  ۲. نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی.
- برخی از مصادیق جنایات جنگی عبارت‌اند از: کشتار جمعی، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، تبعید و کوچ اجباری، گروگان‌گیری، حملات بر ضد مردم غیرنظامی یا نظامیانی که مشارکت مستقیم در مخاصمه ندارند، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال برای جنگ و...

اساسنامه قواعدی را ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم‌چنین مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (جنگ‌های داخلی) در خود جای داده است.

#### چهار: اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و درگیری‌های مسلحانه (۱۹۷۴)

مجمع عمومی سازمان ملل در چهاردهم دسامبر ۱۹۷۴ در قطعنامه ۳۳۱۸، اعلامیه یاد شده را به منظور حمایت از زنان در مناقشات مسلحانه و جلوگیری از بزه‌دیدگی مکرر آنان صادر کرد. در مقدمه این اعلامیه آمده است:

با ابراز توجه عمیق به رنج‌های زنان و کودکان متعلق به جمعیت غیرنظامی که در خلال درگیری‌های مسلحانه، قربانی رفتارهای غیرانسانی قرار می‌گیرند و به دنبال آن از آسیب جدی رنج می‌برند و با آگاهی از رنج زنان و کودکان در بسیاری از نواحی جهان - به‌ویژه مناطق تحت اشغال و... این اعلامیه در زمینه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و درگیری‌های مسلحانه، به‌طور رسمی منتشر و صادر می‌شود و از تمامی دولت‌های عضو، مراعات دقیق مفاد آن درخواست می‌گردد.

ماده ۴ این اعلامیه بر ضرورت حفظ حقوق زنان در جریان درگیری‌های مسلحانه تأکید ورزیده، مقرر می‌دارد که به‌منظور فراهم‌آوری ممنوعیت اقداماتی چون؛ اذیت و آزار، شکنجه، تدابیر جزایی، رفتار ترذیلی و خشن به‌ویژه علیه بخشی از جمعیت غیرنظامی که متشکل از زنان و کودکان است، هرگونه گام ضروری برداشته خواهد شد. در ماده ۵ از ضمانت‌اجرائی این‌گونه رفتارها با زنان نام‌برده، بیان می‌دارد که هر نوع رفتار ظالمانه و غیرانسانی با زنان و کودکان مانند؛ حبس، شکنجه، تیرباران، دستگیری‌های انبوه، مجازات‌های جمعی و... از سوی جنگ‌سالاران در خلال عملیات‌های نظامی یا در سرزمین‌های اشغالی، عملی جنایت‌آمیز محسوب شده و مجازات دارد.<sup>۱۳</sup>

#### بند سوم: حمایت از زنان در برابر جرائم علیه تمامیت معنوی

جرائم علیه تمامیت معنوی شامل همه نوع خشونت جنسی و روانی شامل: توهین‌ها و اعمال منافی عفت، تجاوز به عنف، بهره‌برداری از فحشاء، قوادی و هرزه‌نگاری می‌گردد. همه موارد یادشده نقض فاحش حقوق بشر اعلام و از دولت‌های عضو خواسته

<sup>13</sup> Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict, UN. G. A/RES/3318, 1974.



شده که همه‌ی تدابیر و اقدامات لازم به‌منظور حمایت از زنان را در برابر این‌گونه اعمال غیرانسانی به‌عمل آورند. با توجه به این‌که زنان از حیث جنسیتی (عفت و شرف) آسیب‌پذیرتر از مردان‌اند، جامعه‌ی جهانی در معاهدات گوناگون، خود را متعهد به حمایت از زنان در مقابل تجاوز، خرید و فروش و فحش‌ای اجباری و به‌طور کلی، حمایت از عفت و شرف زن، نموده و در چند سند بین‌المللی، با موضوع خرید و فروش و بردگی جنسی و فحش‌ای زنان و کودکان دختر برخورد کرده است که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

**یک:** کنوانسیون ترتیبات بین‌المللی برای تأمین حمایت مؤثر علیه رفتار جنایت‌آمیز در مورد خرید و فروش زنان سفیدپوست (۱۹۰۴)؛<sup>۱۴</sup>

**دو:** کنوانسیون در مورد جلوگیری از خرید و فروش و اغوای زنان کبیره (۱۹۳۳)؛<sup>۱۵</sup>

**سه:** کنوانسیون منع خرید و فروش اشخاص و بهره‌کشی از فحش‌ای دیگران؛<sup>۱۶</sup>

**چهار:** اعلامیه امحای خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۳ مجمع عمومی متحد.

در ماده ۱ این اعلامیه، خشونت علیه زنان تعریف و در ماده ۲ آن مصادیق خشونت (اعم از خشونت جسمی و روانی) برشمرده شده است. ضمناً یادآور شده است که باید به دسته‌ای از زنان مانند؛ زنان متعلق به اقلیت‌ها، زنان بومی، پناهنده، مهاجر، زنان روستایی یا جوامع دورافتاده، زنان تنگ‌دست، زنانی که در بازپروری یا بازداشتگاه‌ها به‌سر می‌برند، دختران خردسال، زنان معلول، سالخورده و زنان در درگیری‌های مسلحانه که به‌طور خاص نسبت به خشونت آسیب‌پذیر هستند، توجه بیشتری نمود. هم‌چنین در ماده ۷ و ۸ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی تجاوز جنسی، خشونت جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی و عقیم کردن اجباری، از مصادیق جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل دانسته شده است.

در سال ۱۹۹۳ بر اثر گزارش‌هایی مبنی بر ارتکاب تجاوزات جنسی گسترده یا سازمان‌یافته در قلمرو یوگسلاوی سابق، مجمع عمومی سازمان ملل دوباره تأکید کرد که ارتکاب تجاوز جنسی در شرایط خاصی، جرم علیه بشریت به‌شمار می‌رود.

**سایر اسنادی که تجاوز جنسی را از جرائم علیه بشریت دانسته‌اند عبارت‌اند از:**

- اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (ماده ۵)؛

- اساسنامه دادگاه رواندا (ماده ۳)؛

- پیش‌نویس جرائم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶ (ماده ۱۸).

محور همه این اسناد، جلوگیری و محکومیت اعمالی چون؛ خرید و فروش زنان، بردگی جنسی و سایر خشونت‌های جنسی جنایت‌آمیزی که در جامعه علیه زنان صورت می‌پذیرد، است. در این کنوانسیون‌ها از دولت‌ها خواسته شده است که تمام اشخاص را در مقابل سوءاستفاده‌هایی مانند؛ خرید و فروش و بهره‌کشی از فحشاء، تحت حمایت خود قرار دهند و سازوکارهای اجرایی (مانند مجازات مرتکبان) را برای این امر در نظر گیرند. با این‌که اسناد یاد شده، عام و مخاطب آن همه اشخاص (اعم از زن، مرد و کودک است؛ اما مقررات آنها در بهبود موقعیت زنان مؤثر است و از آنجا که بیشترین قربانیان این اعمال را زنان تشکیل می‌دهند، در مقدمه این معاهده بین‌المللی، به‌طور خاص به زنان اشاره شده است.

**گفتار دوم: قاچاق و بزه‌دیدگی زنان**

**بند اول: بزه‌دیدگی زنان و دختران جوان از طریق شبکه‌های قاچاق زنان**

زنان، در مواردی با خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی از طریق گرفتار شدن در دام شبکه‌های شوم قاچاق انسان مواجه می‌گردند که گاه این پدیده از قلمرو مرزهای ملی فراتر رفته و ابعاد بین‌المللی به‌خود می‌گیرد.

<sup>14</sup>. International Agreement for the Suppression of the White Slave Trade of 1904.

<sup>15</sup>. Rebecca M. Wallace, International Law, P. 175-176.

<sup>16</sup>. The Convention for the Suppression on the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others, ( . A. Res. 41 128, 4 December 1949).

این مشکل به‌ویژه از آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی نمود کاملاً چشمگیر و جلوه‌ی خطرناکی پیدا کرده است و سلامت، حیثیت و نسل و عفت و اخلاقی انسانی در میان جمعی از دختران و زنان جوان فریب‌خورده و ساده‌لوح اکثریت کشورهای جهان از جمله کشورمان را تهدید می‌نماید. این مسأله به‌لحاظ مقابله با بزه‌کاری و بزه‌دیدگی زنان و دختران ایرانی و نیز برخورد اطلاعاتی-انتظامی و قضایی با جرائم سازمان‌یافته‌ی باندهای بین‌المللی قاچاق زنان و دختران جوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و پای حقوق جزای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل جزایی را هم به‌میان می‌کشد و از جنبه‌ی داخلی و بین‌المللی هر دو حائز اهمیت است. بجاست مسئولین ذیربط قضایی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و پلیسی کشورمان با هماهنگی کامل در صدد چاره‌جویی و مقابله با این پدیده‌ی شوم برآیند و دختران و زنان جوان را از ورطه‌ی سقوط در نکبت و منجلاب نجات دهند و با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب به وظیفه‌ی خطیر حفاظت و حراست از حیثیت و سلامت نسل جوان جامعه‌ی اسلامی عمل نمایند.

### الف) تعریف قاچاق زنان

اصولاً پدیده شوم قاچاق زنان را این‌گونه می‌توان تعریف نمود:

«حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه‌ی زنان و دختران در عرض مرزهای ملی آن‌هم عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه و ضداخلاقی از لحاظ جنسی به‌منظور سودجویی نامشروع به‌کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر موارد فعالیت‌های مرتبط با قاچاق هم‌چون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین».<sup>۱۷</sup>

این در حالی است که در غالب موارد قربانیان و بزه‌دیدگان قاچاق، بدون رغبت و رضایت باطنی خود در دام شبکه‌های قاچاق انسان گرفتار می‌شوند. در برخی موارد نیز بزه‌دیدگان با رؤیای پیدا کردن کاری پرسود در خارج از کشور، سرزمین و کشور خود را رها می‌کنند و در این راه به‌طور ناخواسته فریفته‌ی وعده‌های بنگاه‌های دروغین کاریابی و قاچاقچیان حرفه‌ای زنان و دختران می‌شوند و سرانجام به سرنوشتی شوم و پلید دچار می‌شوند.

### ب) گستره‌ی بین‌المللی قاچاق زنان و دختران

به‌دنبال فروپاشی کمونیسم و شوروی سابق، تجارت زنان و دختران کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و نیز جمهوری‌های شوروی سابق، به‌طور چشمگیری فزونی یافته است. بنابه گزارش مرکز بین‌المللی مهاجران، شمار این زنان در کشورهای مزبور بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در سال برآورد می‌شود. در بسیاری از این کشورها مجازاتی برای این قاچاقچیان وجود ندارد و احتمال شناسایی و دستگیری این افراد بسیار اندک است.<sup>۱۸</sup> به‌طور کلی موضوع تجارت با بدن زنان و دختران در اروپا هیچ‌گاه به‌اندازه‌ی امروز پول‌ساز نبوده است و آمارهای گروه کارشناسان شورای اروپا در گزارشی درباره‌ی تجارت زنان اروپای شرقی به-عنوان بردگان هزاره‌ی سوم نشان می‌دهد که میزان درآمد ناشی از این تجارت، سالانه تا ۱۳ میلیارد دلار می‌باشد. هم‌چنین، زنان گاه تا ۱۸ بار خرید و فروش می‌شوند و همین‌که پای‌شان به ایتالیا رسید به نرخ ۵۰۰۰ دلار به دلالتان فروخته می‌شوند. این بردگان جدید پس از فروخته شدن در ایتالیا باید بتوانند ماهانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحب خود درآمد ایجاد کنند.<sup>۱۹</sup>

در اینجا تذکر مطلبی حائز اهمیت است و آن این‌که بسیاری از زنانی که قاچاق می‌شوند می‌دانند که در صنعت سکس کار خواهند کرد، اما در زمینه ماهیت یا شرایط کار، فریب می‌خورند. عده‌ای از آنها موافقت می‌کنند تا در کار جنسی ملایم‌تر هم-چون نمایش‌های برهنه یا کلوپ‌ها کار کنند، اما بعداً به روسپی‌گری وادار می‌شوند و یا در بازار به یک واسطه یا روسپی‌خانه فروخته می‌شوند و سپس با تهدید یا به‌خاطر بدهی در اوضاع و احوالی ناهنجار به دام می‌افتند.<sup>۲۰</sup>

۱۷. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، مقاله‌ی جایگاه اشتغال زنان در توسعه‌ی انسانی، بهناز اشتری، ص ۲۱، مرکز امور مشارکت زنان، اسفند ۱۳۸۰.

۱۸. گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱/۲۳

۱۹. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، مقاله‌ی جایگاه اشتغال زنان در توسعه‌ی انسانی، بهناز اشتری، ص ۲۱، مرکز امور مشارکت زنان، اسفند ۱۳۸۰، ص ۲۳.

۲۰. همان، ص ۲۳.

هم‌چنین، یک کارشناس سازمان بین‌المللی کار، اظهار داشته است: قاچاقچیان به شیوه کاربایی در کشورهای دیگر، بسیاری از دختران را اغفال می‌کنند و سپس آنها را به مراکز فحشاء می‌فروشند.

این قاچاقچیان که اغلب به گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته وابسته‌اند طعمه‌های خود را از میان کسانی انتخاب می‌کنند که سودای جستجوی زندگی بهتر را در سر می‌پروراند.

### ج) شبکه‌های قاچاق زنان و دختران در ایران

چندی پیش یک شبکه‌ی قاچاق دختران ایرانی به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس کشف شد که در این شبکه‌ی قاچاق، تعداد بسیاری از زنان قوآد و بدنام و فاسد عضویت داشتند.

آنان دختران و زنان جوانی را که در خانواده‌هایشان مشکل مالی داشتند شناسایی می‌کردند و سپس به بهانه‌ی این‌که دختران آنها در کشورهای خلیج فارس خوشبخت و پول‌دار خواهند شد، با پرداخت مبلغی به خانواده‌هایشان و با گذرنامه و رواید به مدت سه هفته آنها را به‌طور قانونی به دوبی می‌فرستادند و وقتی دختران به دوبی منتقل می‌شدند، توسط رابط این شبکه به چند بازرگان عرب معرفی می‌شدند که آنان در ازای هر دختر ایرانی حدود ۵ میلیون تومان به خانواده‌های این دختران و مبالغی را که ده‌ها برابر این مبلغ بود، به قاچاقچیان پرداخت می‌کردند، سپس از آن دختران برای مقاصد شوم خود و بی‌بندوباری استفاده می‌کردند. مأموران پس از تحقیق دریافتند که این شبکه در تهران و چند شهر بزرگ فعال است و اعضای این شبکه که عمدتاً زنان قوآد بودند، مأموریت داشتند در آرایشگاه‌های زنانه، میهمانی‌ها و جشن‌ها، طعمه‌های خود را شناسایی کنند. آنان ابتدا به‌سراغ کسانی می‌رفتند که خود و یا خانواده‌شان مشکل مالی داشته باشند و از این حربه برای به دام انداختن طعمه‌ی خود استفاده می‌کردند و دختران ساده‌دل را به منجلاب سوق می‌دادند.

در یک پرونده‌ی دیگر در شیراز ۶ نفر که توسط قاچاقچیان برای انجام مقاصد پلید به دوبی سفر کرده بودند، شناسایی و مورد بازجویی قرار گرفتند. در این شبکه‌ی فساد اخلاقی تعدادی دختر، زن و مرد جوان عضویت داشتند که تعدادی از آنان دستگیر شدند. یک مقام قضایی در همین رابطه ضمن هشدار به خانواده‌ها اظهار داشت در این پرونده‌ها فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل، اغفال خانواده‌ها و دختران کم‌سن‌وسال است.

### بند دوم: رابطه‌ی قاچاق زنان و دختران با حقوق جزای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل جزایی

#### الف- حقوق جزای بین‌الملل:

از آنجا که حقوق جزا و قواعد آن الزام‌آور و مربوط به نظم عمومی است و ناظر به روابط شخصی افراد جامعه با یکدیگر نیست و از آنجا که هدف حقوق جزا حفظ نظم عمومی و پاسداری از ارزش‌های غیرقابل اغماض جامعه از طریق ضمانت‌اجرای خاص یعنی اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و مظهر قدرت و حاکمیت کشورها به‌شمار می‌آید، از خصیصه‌ی درون-مرزی برخوردار است و تنها در قلمرو حاکمیت کشورها قابل اجراء بوده و از مقبولیت برخوردار است. به همین خاطر ماده‌ی ۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«قوانین جزایی درباره‌ی کلیه‌ی کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آن‌که به‌موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

ولی به‌خاطر این‌که گاهی اوقات قسمتی از جرم در ایران و قسمت دیگر و یا نتیجه‌ی آن در خارج از قلمرو حاکمیت دولت ایران و یا بالعکس اتفاق می‌افتد، در تکمیل اصل صلاحیت سرزمین قوانین جزایی، قانون‌گذار ایرانی در ماده‌ی ۴ قانون مجازات اسلامی مرقوم می‌دارد:

«هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه‌ی آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه‌ی آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است».

با توجه به مقررات عمومی فوق‌الذکر و مواد قانونی جزای اختصاصی و مقررات شرعی راجع به جرائم جنسی و سوءاستفاده جنسی از افراد (موضوع مواد ۶۳ الی ۱۳۸ و نیز ۶۳۷ الی ۶۴۱ ق.م.ا)، موضوع قاچاق زنان و دختران به‌عنوان یک عمل مجرمانه و جنایتکارانه منطبق بر مقررات جزایی فوق‌الذکر بوده و محاکم جزایی ایران مطابق ضوابط و قوانین جزای بین‌الملل (قوانین

داخلی) صالح برای رسیدگی و محاکمه‌ی افراد خاطی می‌باشند، خواه تمامی جرم در قلمرو حاکمیت ایران اتفاق افتاده باشد و خواه نتیجه یا بخشی از جرم در ایران رخ داده باشد و نتیجه یا جزء دیگری از آن در خارج به‌وقوع پیوسته باشد. بنابراین، هرگاه عمل به دام انداختن زنان و دختران و فریب دادن آنان در ایران و فعل مجرمانه (سوءاستفاده‌ی جنسی و سایر اعمال مجرمانه) در خارج از قلمرو حاکمیت ایران اتفاق افتاده باشد، در هر حال این محاکم ایران است که وفق ماده ۳ و ۴ ق.م.ا. صلاحیت تعقیب و رسیدگی خواهند داشت. بنابراین، در صورتی که در یکی عناصر چهارگانه یعنی مجرم، مجنی‌علیه، محل وقوع جرم و محل حصول نتیجه‌ی مجرمانه، عنصری خارجی وجود داشته باشد، بلافاصله پای مقررات حقوق جزای بین‌المللی ایران و قواعد آن به‌میان می‌آید. مطابق این ضوابط منحصر ساختن اجرای قواعد و مقررات حقوق جزا در محدوده‌ی سرزمینی خاص موجب خواهد گردید که حقوق جزا به تمامی اهداف خود که اجرای عدالت و مجازات نمودن مجرمین است دست نیابد.<sup>۲۱</sup> از این‌رو، اگر یک فرد خارجی در محدوده‌ی حاکمیت ایران مرتکب جرم شود و یا در خارج از ایران منافع و امنیت داخلی و خارجی ایران را به‌مخاطره اندازد، گویا تبعه‌ی ایرانی در خارج از کشور ایران مرتکب نقض مقررات جزایی ایران شود و یا جرمی مخل نظم بین‌المللی مانند دزدی دریایی، هواپیماربابی و یا قاچاق زنان و کودکان و یا قاچاق مواد مخدر گردد، تقریباً در تمامی موارد مذکور قانون جزای ایران حاکم بر جرم خواهد بود و محاکم ایران صلاحیت رسیدگی دارند.

### ب- حقوق بین‌الملل جزایی

موضوع حقوق بین‌الملل جزایی، جرائمی است که ذاتاً بین‌المللی هستند و مراد از جرائم بین‌المللی، جرائمی است که نظم بین‌المللی را مختل کرده و هیچ‌یک از قوانین داخلی کشورها نمی‌تواند بر آن حاکم باشد، مثلاً در جرائم علیه بشریت که یک حکومت علیه ملت خود مرتکب می‌شود، قطعاً قانون داخلی کارگشا نخواهد بود، زیرا مجریان این قانون خود متهم هستند، بنابراین یک مرجع بین‌المللی باید به چنین جرائمی به‌موجب قوانین بین‌المللی رسیدگی نماید. این‌گونه جرائم همان جرائم موضوع حقوق بین‌الملل جزایی (و نه جزای بین‌الملل) هستند، نظیر جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت و صلح جهانی. متأسفانه در تعیین مصادیق این‌گونه جرائم میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد به‌عنوان مثال، برخی جرائم مواد مخدر و ارز و هواپیماربابی را جزء جرائم علیه بشریت می‌دانند<sup>۲۲</sup> و برخی از حقوق‌دانان نیز جرائم هم‌چون، تجارت کودکان و زنان، تجارت نشریات مستهجن، هواپیماربابی، جعل ارز و فروش مواد مخدر و غیره را که موضوع مؤافقت‌نامه‌های بین‌المللی است را در زمره‌ی جرائم بین‌المللی می‌دانند.<sup>۲۳</sup>

آن‌چه مسلم است معیار و ضوابط تعیین جرائم بین‌المللی ذاتی، عرف مسلم بین‌المللی و نیز معاهدات بین‌المللی است. می‌توان گفت در این‌گونه جرائم مصالح عالی‌ی تمام دول و خانواده‌ی جهانی به‌مخاطره می‌افتد، فراملی این‌گونه جرائم تنها مراجع رسمی بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی کیفری لاهه صلاحیت رسیدگی به این نوع جرائم را خواهد داشت. در صورتی که رسیدگی به موضوع قاچاق زنان و کودکان در صلاحیت قوانین داخلی کشورها است.

این جرم در محدوده حقوق جزای بین‌الملل قرار دارد و نه حقوق بین‌الملل جزایی. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که النهایه از آنجا که این موضوع به حقوق انسان‌ها به‌طور کلی ارتباط مربوط می‌شود در اسناد، مقاوله‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی به آن تصریح شده است و کشورهای زیادی مقررات بین‌المللی در این رابطه را پذیرفته‌اند.

<sup>۲۱</sup>. قیاسی، جلال‌الدین؛ دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت‌الله؛ مطالعه‌ی تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، ج ۱، کلیات پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰ به‌بعد.

<sup>۲۲</sup>. ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، ص ۲۷۸.

<sup>۲۳</sup>. قیاسی، جلال‌الدین؛ دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت‌الله؛ مطالعه‌ی تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، ج ۱، کلیات پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، صص ۲۷۷-۲۷۶.

به‌عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌نامه‌ی پاریس مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ راجع به تأمین یک حمایت مؤثر علیه معاملات جنایتکارانه اشاره نمود که در ماده‌ی ششم آن آمده است: «دول متعاهد در حدود قانونی تعهد می‌کنند که تا حدی که ممکن است، مواظب ادارات و آژانس‌های مسافرتی و بنگاه‌های کاریابی که برای زنان و یا دختران در خارجه کار پیدا می‌کنند، باشند». مهم‌ترین ایرادی که به این قرارداد وارد است عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجراه‌های کیفی توسط کشورهای امضاءکننده است و صرفاً به چند توصیه و سفارش اکتفاء نموده است تا این‌که ۶ سال بعد از تصویب مقاله‌نامه‌ی ۱۹۰۴ بار دیگر دول عضو در پاریس گرد هم آمدند و در رفع نقیصه‌ی فوق در قراردادی جدید مقرر داشتند که:

«هرکس برای انجام هوا و هوس دیگری، زنی را هر چند با رضایت خودش و یا دختر صغیری را برای فساد و فحشاء اجیر و جلب نموده و یا از راه عفاف و پاک‌دامنی منحرف سازد، هر چند این عملیات مختلفه که عناصر متشکله‌ی جرم به حساب می‌آیند، در ممالک مختلف صورت پذیرفته باشد، باید مجازات شود».<sup>۲۴</sup>

به‌عنوان نمونه‌ی بعدی از کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران می‌توان یاد کرد<sup>۲۵</sup> که در سال ۱۹۴۹ به تصویب دول امضاءکننده رسیده است.

هرچند مفاد مقررات این کنوانسیون نیز صرفاً به توصیه‌هایی در امر پیشگیری از قاچاق زنان و کودکان و کنترل آژانس‌های مسافرتی و نظارتی بر کار آنان بسنده نموده و از اهرم‌های سرکوب‌گر و مجازات خاطیان سخنی به‌میان نیاورده است. شاید بتوان از پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان مصوب سال ۲۰۰۰ به‌عنوان آخرین سند بین‌المللی در این رابطه نام برد.

ماده‌ی ۹ این پروتکل به موضوع پیشگیری از قاچاق اشخاص اختصاص داشته و تکالیف زیر را برای دول طرف پروتکل تعیین می‌نماید:

۱. دولت‌های متعاهد سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدابیر فراگیر دیگری را مقرر خواهند داشت تا: «از قاچاق اشخاص، پیشگیری و با مبارزه، از قربانیان به‌ویژه زنان و کودکان حفاظت کنند تا دوباره قربانی آن نشوند.
  ۲. دولت‌های متعاهد کوشش خواهند نمود تا تدابیری هم‌چون پژوهش، اطلاع‌رسانی و تبلیغات رسانه‌های گروهی و ابتکارات اجتماعی و اقتصادی را برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص اتخاذ کنند.
  ۳. سیاست‌ها، برنامه‌ها و دیگر تدابیری که مطابق با این ماده اتخاذ می‌شود، در صورت اقتضاء، همکاری با سازمان‌های غیرحکومتی و... را دربر خواهد گرفت.
  ۴. دولت‌های متعاهد از جمله از راه همکاری دوجانبه یا چندجانبه تدابیری را اتخاذ یا تقویت خواهند کرد تا عواملی را که موجب آسیب‌پذیری اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان در برابر قاچاق می‌شود و هم‌چون فقر، توسعه‌نیافتگی و فقدان فرصت‌های برابر، تخفیف بدهند.
- از مفاد این ماده به‌خوبی مشخص می‌شود که مبارزه با پدیده‌ی قاچاق زنان و کودکان امری است که هم‌چون بسیاری از جرائم نه‌تنها با قوانین کیفی بلکه با اتخاذ یک سیاست جنایی همه‌جانبه و همه‌سونگر یعنی اتخاذ سیاست‌های فرهنگی، تربیتی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و حقوقی مناسب، حاصل خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

پس از سال‌ها تلاش و پیگیری در سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوقی زنان و صدور چند قطعنامه و اعلامیه، در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در پی تصویب قطعنامه ۱۸۰/۳۴ توسط مجمع عمومی، کنوانسیون امحاء هرگونه تبعیض علیه زنان، تصویب شد و با امضاء و الحاق ۲۰ کشور در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱، ضمانت‌اجرائی پیدا کرد. این کنوانسیون، مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است.

<sup>۲۴</sup> ماده‌ی اول قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ میلادی در پاریس به امضاء دول شرکت‌کننده رسیده است.

<sup>۲۵</sup> Convention for the suppression of the traffic in presons and of the exploitation the prostitution of others of.

براساس ماده ۲۵ این سند، الحاق دولت‌ها به کنوانسیون، بلامانع است. ماده ۲۷ نیز مقرر کرده است که کنوانسیون، ۳۰ روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجراء می‌گردد که این پروسه در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ تحقق یافت. از بین کشورهای اسلامی، حدود ۴۶ کشور به کنوانسیون پیوسته‌اند. از این تعداد ۱۴ کشور از مجموع ۱۷ کشور آفریقایی، ۵ کشور از ۱۲ کشور آسیایی و ۸ کشور از ۲۱ کشور عربی، به سند یادشده ملحق شده‌اند. تاریخچه سند نشان می‌دهد که نویسندگان آن، در صدد تبیین نسبتاً جامعی از حقوق زنان و موارد تساوی آنان با مردان و تأمین راه‌های مطمئنی برای اجرای آنها از سوی دولت‌ها بوده‌اند. تدابیر به‌کار گرفته شده در این سند راه‌گریز دولت‌های عضو را مسدود کرده و در صورت تخلف از این وظیفه، مسئولیت بین‌المللی را متوجه آنان می‌کند.

از سال ۱۹۷۵ که مجمع عمومی طی قطعنامه ۵۳۲۱، از کمیسیون «مقام زن» خواست که پیش‌نویسی درخصوص امحای تبعیض علیه زنان آماده کند، سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGOs) تلاش‌های فراوانی در سطح بین‌المللی و داخلی صورت دادند. اجلاس پکن که نمود عینی این تلاش‌ها بود، بزرگ‌ترین کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل متحد از تاریخ تأسیس این سازمان است. نقش سازمان‌های غیردولتی در این عرصه به‌خوبی نمایان بود و حضور فعالی نیز در اجلاس‌های مختلف راجع به حقوق زنان داشته‌اند. تا پایان آوریل ۲۰۰۳، حدود ۱۷۳ کشور، کنوانسیون را پذیرفته و بدان ملحق شده‌اند. توزیع جغرافیایی کشورهای اسلامی در گروه کشورهای عربی، آسیایی و آفریقایی است. بدین‌صورت از مجموع ۶۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، حدود ۴۶ کشور عضو معاهده هستند. آلبانی هم تنها کشور اروپایی است که عضو کنوانسیون شده است. این کشورها، عمدتاً از میان دو گزینه عدم عضویت و عضویت مشروط، دومی را برگزیده‌اند و حتی بعضی از کشورها اعلامیه تفسیری نیز صادر کرده‌اند. افغانستان در ۵ مارس ۲۰۰۳، سوریه در ۲۸ مارس ۲۰۰۰ و تیمور در ۱۶ آوریل ۲۰۰۳ عضو معاهده شده‌اند. دولت بحرین در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۲ عضو شده است. برای آگاهی از وضعیت جهانی نیز باید یادآور شد که کشورها عملکرد مشابهی نداشته‌اند؛ برخی از کشورها بدون هیچ شرطی کنوانسیون را پذیرفته‌اند مانند آلبانی در ۱۹۹۵. تعداد این کشورها ۱۱۱ کشور است. کشورهایی نیز با بیانیه و یا اعمال شرط‌هایی به کنوانسیون ملحق شده‌اند که در مجموع ۲۱ کشور می‌باشند. برخی دیگر از کشورها با وجود صدور اعلامیه تفسیری و یا اعمال شرط هنوز به کنوانسیون ملحق نشده‌اند که این‌دسته شامل ۲۹ کشور می‌باشد همانند آرژانتین، استرالیا، آلمان، بلژیک، اتریش، لوکزامبورگ. کشورهایی نیز در ابتدا حق شرط اعمال کرده، سپس آن را پس گرفته و هنوز ملحق نشده‌اند مانند فرانسه و کشورهایی نیز کنوانسیون را فقط امضاء کرده‌اند مانند آمریکا. طی ۲۵ سال گذشته پنج کنفرانس جهانی ویژه زنان، از سوی سازمان ملل برپا شده است:

کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاک (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵)، پکن (۱۹۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰). هدف اساسی چهار کنفرانس اخیر، بررسی و تضمین راهبردها و سیاست‌های جهانی مناسب، جهت اجراء و تحقق کنوانسیون رفع تبعیض است، اما اکنون شاهد شکل‌گیری تفکری واقع‌بینانه‌تر در این زمینه هستیم. در کتاب راهنمای آموزشی اقدامات محلی و تغییر جهانی که با کمک صندوق توسعه زنان ملل متحد و مرکز رهبری جهانی زنان (CWCL) تهیه و تدوین شده است، برنامه و پیشنهادهایی برای جهانیان، پیرامون راه‌های تحقق مفاد کنوانسیون رفع تبعیض و «برنامه برای عمل» پکن ارائه شده است. نکته جالب در این راهنما، تجدیدنظر صریح و آشکار برخی مراجع بین‌المللی در نظریات اولیه خود می‌باشد؛ به‌عنوان مثال، برابری را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«برابری الزاماً به معنای آن نیست که به همه افراد، به‌شیوه‌ای یکسان رفتار شود. هنگامی که مردم در موقعیت‌های نابرابر قرار دارند، رفتار کردن با آنان به‌شیوه‌ای یکسان همواره بی‌عدالتی را به‌جای ریشه‌کن ساختن، تداوم می‌بخشد. زنان برای بهره‌مند شدن از حقوق یکسان، بیش از مردان به رفتار متفاوت نیاز دارند. نقش حقوق و راه‌حل‌های آنها را نمی‌توان بدون درنظر گرفتن موقعیت‌های نابرابر مردان و زنان جامعه، به بحث گذاشت.»

## منابع

❖ قرآن کریم

### الف) منابع فارسی

- اجلاس ویژه بیست‌وسومین مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان زنان ۲۰۰۰، تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست‌ویکم.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ به نقل از؛ آیت‌اللهی، زهرا؛ «نگاهی تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان)، ۱۳۸۰، ش ۱۴.
- راعی، مسعود؛ الحاق به کنوانسیون از منظر مؤلفان و مخالفان، کتاب زنان (فصلنامه‌ی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان)، سال پنجم، ۱۳۸۲، شماره‌ی ۲۰.
- رئیسی، مهدی؛ کنوانسیون زنان...، چاپ اول، نسیم قدس قم، ۱۳۸۲.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش.
- قیاسی، جلال‌الدین، دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت‌الله؛ مطالعه‌ی تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، ج ۱، کلیات پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، مقاله‌ی جایگاه اشتغال زنان در توسعه‌ی انسانی، بهناز اشتری، ص ۲۱، مرکز امور مشارکت زنان، اسفند ۱۳۸۰.

### ی) منابع لاتین

- Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict, UN. G. A/RES/3318, 1974.
- Focus Women UN Action Fpr Women, (Dpi/, New York, May 1996), p.1.
- International Agreement for the Suppression of the White Slave Trade of 1904.
- Supplementary Convention on the Abolition of Slavery, The S; aver Trade, and Institutions and Practices to Slavery.
- The Convention for the Suppression on the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others, (. A. Res. 41 128, 4 December 1949).
- The Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriage.